

نقش مدیریت دانش در تحقیق و توسعه

مرجان ریاحی m.reyahi@oxinsteel.ir

آرش آرپناهی a.arpanahi@oxinsteel.ir

ناصر روشنی n.roshani@oxinsteel.ir

چکیده :

تاکنون در زمینه شناسایی و اشاعه عوامل کلیدی موفقیت سازمان‌ها به‌منظور بهبود عملکرد آنها مطالعاتی متعدد صورت گرفته‌است. جوایز ملی کیفیت و مدل‌های سرآمدی کسب‌وکار دمینگ، بالدريج و EFQM حاصل این مطالعات و تحقیقات هستند. گرچه مدل‌های دمینگ، بالدريج و EFQM معروفترین مدل‌های سرآمدی کسب‌وکار هستند، اما مدل‌های ترکیبی خاص دیگری در برخی کشورها توسعه داده شده که از مدل‌های یادشده الهام گرفته‌اند. در این راستا، با وجود مباحث، کتب و مقالات متعدد موجود در زمینه مدیریت دانش، بسیاری از مدیران سازمان‌ها از معنا و مفهوم مدیریت دانش، نحوه پیاده‌سازی و مزایای آن بی‌اطلاع هستند. مدیریت دانش در هر سازمان، منحصر بفرد بوده و به‌عنوان راهکاری مشترک بین سازمان‌ها حتی اگر دارای محصول، خدمات و یا اندازه‌های یکسان باشند، مطرح نیست. هدف اصلی مدیریت دانش، شناسایی نیازها و دارایی‌های دانش استراتژیک و کمک به ایجاد سازمان یادگیرنده است که برای مقابله با تغییرات و تحولات بازار ایجاد شده‌اند. البته باید توجه داشت که مدیریت دانش جایگزین سیستم‌های کیفیت نیست بلکه از طریق توسعه ذهنیت مشخص سازمانی، به تحقق اهداف کمک می‌کند.

مدل ارائه‌شده در این مقاله گرچه به‌صورت تئوریک، اثرات مثبتی را در اجرای مدیریت دانایی واحدهای تحقیق و توسعه نشان می‌دهد، اما گفتنی است که با در نظر گرفتن استراتژی‌ها و ساختارهای مختلف سازمانی، مطمئناً این مدل در عمل دارای محدودیت‌های جدی خواهد بود و لازم است قبل از تعمیم و پیاده‌سازی آن در سازمان، با توجه به استراتژی‌ها و ویژگی‌های سازمان مورد نظر بومی‌سازی شود.